



## بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر

نرجس مغانی<sup>۱</sup>، انسیه ماهینی\*<sup>۲</sup>، صغری اسماعیلی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر بود. روش این پژوهش، توصیفی از نوع مقایسه ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر ۱۸۴۷ نفر از دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر بود که از طریق نمونه گیری خوشه ای تعداد ۳۱۸ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه تربیت اخلاقی مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰) بود. تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش با استفاده از آزمون t گروه های مستقل انجام گرفت. یافته ها نشان داد که میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بیشتر از آزمودنی های پسر است یا به عبارت دیگر تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بطور معنی داری بیشتر از دانش آموزان پسر است. نتیجه گیری کلی پژوهش نشان داد که با تقویت تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان می توان به افزایش حوزه های معرفتی و دینی آنان در مدارس کمک فراوانی نمود.

**کلید واژه ها:** تربیت اخلاقی، دانش آموزان.

۱ - کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران [nrsmoghdani@gmail.com](mailto:nrsmoghdani@gmail.com)

۲ - استادیار گروه معارف اسلامی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول) [nc1388@hotmail.com](mailto:nc1388@hotmail.com)

۳ - کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران



## مقدمه

دوره متوسطه دارای طیف وسیعی است که دوران نوجوانی را در بر می‌گیرد و در انتهای طیف به دنیای جوانی می‌رسد. در دوره متوسطه، قسمت اعظم استعدادهای اختصاصی نوجوان و جوان بروز می‌کند، قدرت یادگیری آنان به حد اعلای خود می‌رسد، کنجکاوی آنان جهت معینی می‌یابد و مسائل جدید زندگی نظیر انتخاب رشته، انتخاب حرفه و شغل، اداره خانواده و گرایش به مرام و مسلک، ذهن آنان را به خود مشغول می‌دارد و به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند؛ از این‌رو این دوره در نظام‌های تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهان اهمیت زیادی دارد. از طرفی تربیت اخلاقی یکی از مهم‌ترین ساحت‌های فرایند تربیت، و مقدم بر سایر ساحت‌ها، بلکه زیربنای آنهاست. این جایگاه ویژه از آن جهت است که تربیت اخلاقی دربرگیرنده همه ابعاد و ساحت‌های شخصیت انسان، و نیز دربرگیرنده همه مراحل رشد انسان از کودکی تا سالمندی است و در هیچ دوره‌ای از زندگی انسان متوقف نمی‌شود؛ یعنی، نمی‌توان گفت این فرد به مرحله‌ای از رشد و بلوغ رسیده است که دیگر به تربیت اخلاقی احتیاج ندارد. تربیت اخلاقی برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش‌های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. دانشمندان مسلمان با توجه به جامعیت مکتب تربیتی اسلام آنرا «فرایند و بستری که در آن انسان توانایی می‌یابد از روی اختیار، ملکات و صفاتی را بپذیرد و در کنار ساختار خلقی خویش، از سرنوشت و طبعی دیگر برخوردار شود» تعریف نموده‌اند (فخرهاشمیان، ۱۳۹۵). در واقع تربیت اخلاقی تعیین‌کننده سطح رشد و کمال آدمی در عرصه روابطش با خدا، جامعه و طبیعت است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت تربیت اخلاقی، به نوعی در انسان اعتدال ایجاد می‌کند، و این اعتدال موجب می‌شود که ساحت‌های دیگر تربیت انسان هم به تناسب رشد کنند و پرورش یابند (شاهسنی، ۱۳۹۶). فرایند اخلاق با رفتار آگاهانه‌ای که از سر علم و عمد و انتخاب و گزینش انجام می‌پذیرد و صبغه ارزشی دارد و نیز با ملکات و صفات پایداری که تکرار آن رفتار ویژه موجب پیدایش آنها شده سر و کار دارد (کاظمی، ۱۴۰۰). درهم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق موجب شد که مرز مشخصی در گذشته میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت با اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته شود. در تربیت اخلاقی، رویکرد اصلی متوجه پرورش استعدادهای اخلاقی و رسیدن به کمالات اخلاقی است؛ در حالی که در تربیت علمی، هدف، شکوفایی استعدادهای علمی و کسب مراتب بالای علمی است، از همین رو،



نگرش به انسان، عمدتاً ابزاری و آلی است. اما امروزه، جدا انگاری فرایند اخلاق و تربیت تردید ناپذیر است (شاهسینی، ۱۳۹۶). نقیب‌زاده (۱۳۸۶) معتقد است که تربیت در کاربرد گسترده‌اش، پروردن و بارآوردن را در بر می‌گیرد و چه بسا درباره‌ی انسان و سایر جانداران و جانوران به کار گرفته می‌شود، ولی بهتر است که آن را تنها در معنای دقیقی که نشان‌دهنده‌ی تحول انسانی است به کار ببریم.

همچنین با بررسی پژوهش‌ها در داخل و خارج در راستای موضوع مشخص شد که نتایج خوبی از تاثیرات تربیت اخلاقی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر وجود دارد از جمله اینکه بیرونی (کاشانی، ۱۳۹۷) در پژوهشی به شناسایی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی دانش‌آموزان است که با تناظر میان نظریه‌های تربیت منش و رویکرد تربیت اسلامی پرداخت. نتایج نشان داد که در نظریه‌های تربیت منش، تأکید بر پرورش شخصیت است؛ اما مسئله تربیت دائر بر «دیگرسازی» است. در مقایسه با آن روشن شد مفهوم تربیت اسلامی ۱. به معنای «ربوبی شدن» است، ۲. ناظر به «تحول درون» و «خودسازی» و امری «قائم به خود» است ۳. نیاز به «بلوغ عقلانی» دارد و دوران قبل از رسش عقلانی «تمهید» است که با هدف پرورش «شاکله دانش‌آموزان» و آماده کردن آن‌ها برای دعوت «ربوبی» مورد توجه قرار گرفته است. ۴. زیر بنای عمل معلم در فرایند تربیت اخلاقی دو امکان تربیتی «فطرت اخلاقی» و «هویت اجتماعی» (اجتماع اخوت محور) است. در پایان چنین نتیجه‌گیری شد توجه به تحقق و شکوفایی این مؤلفه‌های تربیت اخلاقی بر اساس دو مبنای «فطرت اخلاقی» و «هویت اجتماعی» در قلمرو وظایف معلم است که می‌تواند از طریق روش‌هایی که در تدریس و فعالیتهای آموزشی و تربیتی خود دنبال می‌کند به آن دست یابد. آدمی از ضعف خویش در مقابل خواسته‌ها و تمایلات، احساس ناخرسندی می‌نماید. از این رو از ضعف عقل‌گریزان بوده و تمایل به حاکمیت عقل بر حیات خویش دارد. و اخلاق نیز از عقل ناشی می‌شود (قائمی، ۱۳۹۰). عالمان اخلاق فعل اخلاقی را در برابر فعل طبیعی قرار داده‌اند و گفته‌اند فعل اخلاقی از حدود کارهای طبیعی و عادی خارج است و با آنها تفاوت دارد و کار تربیتی و فرایند تربیت علاوه بر فعل اخلاقی، فعل طبیعی و رفتار عادی را نیز زیر پوشش دارد. مقصود از فعل طبیعی آن احساس گرسنگی و خواب و استراحت را در پی خستگی و نیز فعالیت‌های روزمره زندگی، پیداست در این کارها آدمی با حیوان مشترک است و کارها و نیز اندیشه‌ها و صفات و میل‌های مربوطه به این منظور جلب نفع مادی و دفع زیان مادی انجام می‌گیرند. به عبارت دیگر ریشه این گونه افعال سودجویی مادی است و فرایند تربیت تمامی این رفتارهای عادی و طبیعی و نیز رفتار اخلاقی و صفات اندیشه‌های مربوط به آن مختص عالم انسانی و قابل ستایش و ستایش و نکوهش و ریشه آن فضیلت جویی فطری است (رفیعی، ۱۳۹۷). حیدری (۱۳۹۵) در پژوهشی به مقایسه رشد استدلال اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و هویت دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی متوسطه پرداخت. نتایج



نشان داد که بین رشد استدلال اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و هویت دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی تفاوت معناداری وجود دارد. مسن آبادی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی مقایسه بین نظام ارزشی دانش‌آموزان با میزان استفاده از آنها از فضای مجازی در دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان شهر تهران پرداخت. نتایج نشان داد که بین ابعاد نظام ارزشی اجتماعی، اقتصادی، نظری و هنری از نظام ارزشی دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد. پورمحدث (۱۳۹۳) در پژوهشی به مقایسه هوش معنوی و تحول اخلاقی در دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی پرداخت. نتایج نشان داد که میزان هوش معنوی در دو گروه از دانش‌آموزان تیزهوش و عادی متفاوت نیست. همچنین مشخص شد که تحول اخلاقی در دو گروه تیزهوش و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. زادنبه (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی مقایسه صلاحیت و تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر ایرانی پرداخت. نتایج حاکی از تفاوت معنادار بین شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر بود. کریم زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی مقایسه‌ای رابطه شاخصه‌های تربیت اخلاقی (داوری اخلاقی و رفتار اخلاقی) با مولفه‌های ادراک خود در نوجوانان عادی و دارای مشکل رفتاری پرداخت. نتایج نشان داد که میان آزمودنی‌های دو گروه از نظر میزان استفاده از طحاره‌های ادراک خود به گونه موضوع تفاوت معناداری وجود دارد.

در بحث اهمیت و ضرورت پژوهش می‌بایست بیان نمود که تعلیم و تربیت، عرصه‌ها و وجوه گوناگونی دارد که یکی از مهمترین آنها حوزه‌ی تربیت اخلاقی است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند مستقل از ملاحظات اخلاقی به سامان بخشی امور اجتماعی و فرهنگی خود اقدام نماید؛ چرا که مسئله تربیت اخلاقی مقوله‌ایی است که تمامی مناسبات اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رفتاری را متأثر می‌سازند. البته آنچه که در امر اخلاق و ارزشها مهم است، علاوه بر تأکید بر ضرورت توجه به امور اخلاقی و ارزش‌ها، توجه به روش‌ها و رویکردهای درست آموزش تربیت اخلاقی در بین دانش‌آموزان است. لازم به ذکر است با استفاده بهینه و بابرنامه از نقاط مثبت تربیت اخلاقی می‌توان به افزایش حوزه تحصیلی و زندگی دانش‌آموزان کمک فراوانی نمود. بنابر آنچه بالا گفته شد سؤال اصلی در این تحقیق به این صورت مطرح است که آیا بین تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر تفاوت معنی داری وجود دارد؟

### روش پژوهش

نوع این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی-مقایسه‌ای بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل ۱۸۴۷ نفر دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از فرمول برآورد حجم



نمونه کوکران با حجم جامعه آماری ۱۸۴۷ نفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد با احتمال خطای ۵ درصد، حجم نمونه برابر ۳۱۸ نفر محاسبه شد. برای انتخاب نمونه، روش‌های مختلفی وجود دارد، که در این تحقیق با توجه به وسعت و پراکندگی جامعه آماری از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا از بین ۲۷ مدرسه مقطع متوسطه اول شهرستان دیر تعداد ۶ مدرسه دخترانه و پسرانه به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر مدرسه و از پایه های مختلف هفتم، هشتم و نهم به صورت تصادفی و تقریبی ۵۳ نفر انتخاب و پس از توضیحات کامل پرسشنامه ها توسط آنها پاسخ داده شد. تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری و آزمون t گروه های مستقل انجام گرفت.

**پرسشنامه تربیت اخلاقی مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰):** پرسشنامه تربیت اخلاقی مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰) شامل ۲۲ سوال از طیف ۵ درجه ای لیکرت (کاملاً مخالفم ۱، مخالفم ۲، بی نظرم ۳، موافق ۴ و کاملاً موافقم ۵) می باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۲۲ تا ۶۳ باشد، میزان گرایش به تربیت اخلاقی در این جامعه ضعیف می باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۶۴ تا ۹۰ باشد، میزان گرایش به تربیت اخلاقی در سطح متوسطی می باشد. در صورتی که نمرات بالای ۹۰ باشد، میزان تربیت اخلاقی بسیار خوب می باشد. مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰) روایی پرسشنامه را در تحقیق خود به کمک تحلیل عاملی ۰/۸۵ گزارش نمودند. همچنین پایایی پرسشنامه را به کمک ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ گزارش نمودند.

### یافته ها

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۱ به بحث و بررسی پیرامون نرمال بودن داده ها و در ادامه در جدول ۲ به تحلیل فرضیه های پژوهش پرداخته شد.

جدول ۱ نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای فرض توزیع نرمال

متغیرها	گروه	آماره	سطح معناداری
تربیت اخلاقی	پسر	۰/۰۵۱	۰/۱۱۲
	دختر	۰/۰۴۲	۰/۲

نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنوف در جدول ۱ نشان می دهد که سطح معناداری برای متغیرهای این تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین آماره کولموگروف- اسمیرنوف در خصوص متغیرها در سطح ۰/۰۵ خطا معنی دار نبوده و بر این اساس توزیع متغیرها نرمال می باشد.



جدول ۲ مقایسه میانگین تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون لوین		مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
				F	سطح معنی داری			
پسر	۱۵۹	۸۶/۳۶	۲۴/۴	۱/۸۴	۰/۱۷۶	۴/۷۶	۳۱۸	۰/۰۰۰۱
دختر	۱۵۹	۸۷/۷۱	۲۲/۹۳					

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می گردد با توجه به نتایج آزمون لوین مشخص است که سطح معناداری بالاتر از مقدار ۰/۰۵ است. بنابراین واریانس گروه های مستقل دانش آموزان دختر و پسر با هم برابر هستند. بنابراین با پیش فرض برابری واریانس ها، اختلاف مشاهده شده بین میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر بر اساس نتایج آزمون t گروه های مستقل در سطح ( $P < 0/0001$ ) معنی دار است زیرا سطح معناداری بدست آمده از ۰/۰۵ کمتر است. با توجه به میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر می توان گفت که میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بیشتر از آزمودنی های پسر است یا به عبارت دیگر تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بطور معنی داری بیشتر از دانش آموزان پسر است.

### نتیجه گیری

مطالعه حاضر به دنبال بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر بود. نتایج نشان داد که به منظور پاسخگویی به این فرضیه از آزمون t گروه های مستقل استفاده شد که نتایج نشان داد که با توجه به میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر می توان گفت که میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بیشتر از آزمودنی های پسر است یا به عبارت دیگر تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بطور معنی داری بیشتر از دانش آموزان پسر است. مشابه با این یافته ها در تحقیقات بیرونی کاشانی (۱۳۹۷)، حیدری (۱۳۹۵)، پورمحدث (۱۳۹۳)، کریم زاده (۱۳۸۷)، ثورنبرگ (۲۰۱۶) و زادنبه (۲۰۱۱) به دست آمده است. بررسی و تبیین فرضیه فوق نشان می دهد که به طور کلی هیچ دلیل مستندی مبنی بر تفاوت ما بین تربیت اخلاقی دختران و پسران در اسلام



مشاهده نگردید و از نظر عقلی نیز نمی توان به این تفکیک قائل گردید، زیرا کلیه تربیت اخلاقی ریشه در روح و جان افراد داشته و یک صفت وابسته به روح است و نمی تواند مربوط به جنسیت باشد. اصول و فضایل اساسی اخلاق، اصول و فضایی عام و مشترک اند که درباره انسان از آن جهت که انسان است و نه از آن جهت که دختر یا پسر است، به کار می روند. اصولی، مانند حسن راست گویی، وفای به عهد، احترام به هموع، رعایت و احترام قوانین و مقررات، فضایی، مانند شجاعت، سخاوت، سخت کوشی، پاکدامنی، مهربانی، وفاداری، امانت داری و... اصول و فضایی هستند برای همه افراد، و اختصاصی به دختر یا پسر ندارند، گرچه با توجه به خصوصیات هر یک از دختر و پسر، برخی از فضایل از پسر شایسته تر و برخی بر دختر زیبنده تر است، اما نمی توان گفت فضایل و رذایل به دو دسته دخترانه و پسرانه تقسیم می شوند یا فضایل پسرانه، رجحان دارد یا برعکس. ولی در بعضی موارد و تحقیقات معمولاً دختران و پسران به دلیل اینکه خصوصیات درونی‌شان با هم متفاوت است در جامعه نیز از نظر اجتماعی و رفتاری در شرایط خاصی نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند؛ از نوع بازی و ارتباط با همسالان گرفته تا نوع روابطشان با والد همجنس و تربیت اخلاقی، که در این پژوهش هم در حوزه تربیت اخلاقی دانش آموزان پسر به خاطر شرایط خانوادگی، فرهنگی، محیطی و مذهبی و ... تا حدی کمتر از آزمودنی‌های دختر است و این تفاوت خیلی نامحسوس هست.

از این رو پیشنهاد می شود با ایجاد الگوهای تعامل بین معلمان و دانش آموزان با توجه به اقتضائات جنسیتی و شخصیتی به افزایش تربیت اخلاقی آنان کمک شود. همچنین برای افزایش تربیت اخلاقی جلسات آموزشی بیشتر مورد توجه قرار گیرد و مهارت‌های تربیتی به دانش آموزان آموزش داده شود.

#### منابع

- بیرونی کاشانی، راضیه، (۱۳۹۷)، شناسایی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی دانش آموزان است که با تناظر میان نظریه‌های تربیت منش و رویکرد تربیت اسلامی، فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۶، شماره ۱۱.
- پورمحدث، گلریز، (۱۳۹۳)، مقایسه هوش معنوی و تحول اخلاقی در دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی، دانشگاه آزاد اسلامی، کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- حیدری، مهدی، کرامتی، هادی، حسنی، جعفر، (۱۳۹۵)، مقایسه رشد استدلال اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و هویت دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی متوسطه، کنگره ملی روانشناسی اجتماعی ایران.
- رفیعی، بهروز، (۱۳۹۷)، تربیت اخلاقی در اسلام، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، نشریه آموزش در علوم انتظامی، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۱۸۱ تا ص ۲۰۳.



- شاهسنی، شهرزاد، شمشیری، بابک، مرادخواه، وحید، راسخ، معصومه، (۱۳۹۶)، اهمیت تربیت اخلاقی در دانش آموزان و شیوه های آن، دومین کنفرانس ملی روانشناسی و مشاوره، اصفهان.
- فخرهاشمیان، فیروزه، (۱۳۹۵)، بررسی کسب فضائل اخلاقی بر دانشجویان دانشگاه امام رضا و نقش آن بر بهداشت روانی و عملکرد رفتاری آنان، سایت جامع مدیر یار.
- قائمی، علی، (۱۳۹۰)، زمینه‌ی تربیت، تهران: نشر امیری.
- کریم زاده، صادق، (۱۳۸۷)، بررسی مقایسه‌ی رابطه شاخصه های تربیت اخلاقی (داوری اخلاقی و رفتار اخلاقی) با مولفه های ادراک خود در نوجوانان عادی و دارای مشکل رفتاری، دوفصلنامه تربیت اسلامی، دوره ۳، شماره ۶.
- کاظمی، حمیدرضا، (۱۴۰۰)، برنامه درسی و تربیت اخلاقی، انتشارات قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- نقیبزاده، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، نگاهی به فلسفه‌ی آموزش و پرورش، تهران: نشر طهوری.

- Thornberg, R., & Oğuz, E. (2016). Moral and citizenship educational goals in values education: A cross-cultural study of Swedish and Turkish student teachers' preferences. *Teaching and Teacher Education*, 55, 110-121.
- Zadanbeh, M. K., & Zakerian, M. (2011). A comparison of moral competence between Iranian male and female elementary students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 48-52.





## A comparative study of moral education among male and female students of the first secondary school in dayyer city

### Abstract

The purpose of this study was to compare moral education among male and female students of the first secondary school in dayyer city. The method of this research was descriptive and comparative. The statistical population of the present study was 1847 male and female students of the first secondary school in dayyer city, who were selected through cluster sampling of 318 using Cochran's formula. The tool of data collection in this research was the Moral Education Questionnaire of Mosadeghi Nik and Koshi (1400). Was. Analysis of the research hypotheses was done using the t-test of independent groups. The findings showed that the average moral education score of female students is higher than that of male subjects, or in other words, the moral education of female students is significantly higher than that of male students. The general conclusion of the research showed that by strengthening moral education among students, it is possible to greatly help to increase their cognitive and religious areas in schools.

**Keywords:** moral education, students.